

خبر
معاون وزیر بهداشت: رابطه مالی بز شک و بیمار باید حذف شود

معاون درمان وزارت بهداشت، بر لزوم ریشه‌کنی پدیده زیرمیزی در نظام سلامت کشور تاکید کرد. به گزارش مهر به نقل از خانه ملت، سپیدسجاد رضوی گفت: پدیده زیرمیزی باید به صورت ریشه‌ای و اساسی و با نگاه دقیق و کارشناسی بررسی و درمان شود؛ این پدیده در بخش دولتی و خصوصی متفاوت است و نمی‌توان با یک نسخه واحد، به حل آن در هر دو بخش پرداخت. وی، تأخیر در پرداخت به مراکز دولتی را یکی از عوامل بروز پدیده زیرمیزی دانست و افزود: باید تلاش کنیم پرداختی‌ها به پزشکان و کارکنان درمانی به موقع و منصفانه انجام شود؛ یکی از دغدغه‌های جدی پزشکان جوان و پرستاران، موضوع مسکن است و اگر نتوانیم به دغدغه‌های اولیه این عزیزان رسیدگی کنیم، زمینه‌های فساد و نارضایتی فراهم می‌شود. معاون درمان وزارت بهداشت ادامه داد: بحث پزشک خانواده و اجرای کامل نظام ارجاع، از جمله ریشه‌ای‌ترین راهکارهای مبارزه با زیرمیزی است و کشورهایی که موفق به کنترل این پدیده شده‌اند، به طور دقیق از این مسیر وارد شده‌اند؛ هرچه سریع‌تر برای ساماندهی این موضوع اقدام کنیم، موفقیت بیشتری خواهیم داشت و اگر دیر شود و این رفتار نادرست به عرف تبدیل شود، مقابله با آن بسیار سخت‌تر خواهد شد. رضوی تأکید کرد: هدف ما این است که رابطه مالی مستقیم بین پزشک و بیمار حذف شود و پرداخت‌ها باید از طریق بیمه‌ها انجام شود و بیمار صرفا از بیمه خدمات دریافت کند، نه اینکه مجبور به پرداخت‌های غیررسمی و خارج از تعرفه باشد. وی یادآور شد: کمیسیون بهداشت و درمان مجلس نسبت به تشکیل کمیته تخصصی با مشارکت دولت، وزارت بهداشت و سازمان نظام پزشکی اقدام کرده و به دنبال تدوین طرحی جامع برای مقابله با زیرمیزی است؛ امیدواریم بتوانیم با همکاری سه‌جانبه، این معضل را به‌طور ریشه‌ای در کشور کنترل و حل کرد.

روز خبرنگار، برای من، بهانه‌ای است برای فرونهادن سر و عذرخواهی از سرزمینی که نفس‌هایش سنگین است، از آینده‌ای که در انتظار نشسته و چشم به راه قلم‌هایی که شاید دیر برسند، از مخاطبان وفاداری که گاه در هیاموی روزمرگی و دلهره های عرصه نویسندگی، نتوانستم حق انتظارشان را چنان که باید، ادا کنم. و خانواده‌ام... اینجا، درد عمیق‌تر است: بیخشید مرا. این سخن، نه از سر تعارف، که از ژرفای بودن است.

تابناک نوشت: در کوچه‌پس‌کوچه‌های تنگ زیستن، خبرنگار—پرنده‌ای با بال‌های شکسته—باز هم باید پرواز کند. چونان پرنده‌ای که آسمان را به یاد دارد، اما زمین، پیوسته او را به پایین می‌کشد. ما، هیچ‌کدام از هم جدا نیستیم.

خبرنگار یعنی چه؟

قسط‌های عقب‌افتاده‌ات را جمع کن، دلپره‌هایت را مانند برگ‌های پاییزی روی هم بریز، خرواری استرس هم بر آن بیفز. حالا این را با خودسانسوری و سانسور تحمیلی درهم‌بیامیز—انگار نفس‌کشیدن هم باید با اجازه‌نامه باشد. از درس و تدریس جا مانده‌ای، از امید صبح که از خانه می‌زنی بیرون، تا شبی که با جیب خالی و دل پر از حرف‌های ناگفته بازمی‌گردی. انتظارات مردم‌ت، که گویی تو باید جهان را دگرگون کنی، و در پایان، هیچ‌کس راضی نیست.

کفش‌هایی که زودتر از پایجامه دیگران پاره می‌شوند، کوله‌باری که بر دوشت سنگینی می‌کند، دردی که نامش را نمی‌دانی، و پزشکی که می‌گوید فرصت و دوی دردت ورقی هشت‌میلیون‌تومان خواهد بود. و او می‌نویسد، فریاد می‌زند، حق جامعه می‌گوید، اما در احقاقِ حقِ خویش، بی‌پناه است. هرچه در مسیر امداد جامعه ناتوان است، در راه مدد به خویش، ضعیف‌تر نیز است. منتهم به وابستگی، منتهم به ندانستن و دانستن، نگفتن و چرا گفتن، منتهم به طرفداری یا بدخواهی. از یک سوی دیگر، انبوه "وی گفت" و "وی افزود"‌هایی که کاش نبودند و جایشان را عمل‌روشنگرانه پر می‌کرد. جامعه و مخاطب، عرصهٔ قدرت، تاب شکنین ندارد. کار به جایی می‌رسد که گاهی خود خبرنگار هم از خودش ناخشنود است—چرا که تربیتش به او نیاموخته است که بزنی یا ببندی، و همین کافی است تا از قافله عقب بماند. سعدی‌وار، گروه جامعه اسیر "نقصان مایه و شامت همسایه" است. این‌ها را جمع کن و روزنه‌ای کوچک از امید به آن بیفزا. این است سنگ‌راز روزنامه‌نگاران. اینهاست زندگی یک خبرنگار.

حالم‌ان که خوب باشد، نگران می شویم

خیلی‌ها گمان می‌کنند به جایی بندیم، دستی در انیان داریم و پایی در کاخ ساسانیان. در میان ما، چنین کسانی هم هستند. اما عموم جامعهٔ ما این‌گونه نیست. حال ما، همچون حال مردمی است که با آنان نفس می‌کشیم—تیک‌خواه، اما بداقبال.

۱۷ مرداد روز خبرنگار است اما...

وقتی هیچکس راضی نیست!

گروه جامعه- روز خبرنگار را فقط از یک جهت جدی بگیرید؛ فرصت عذرخواهی از جامعه ایست که نتوانستیم انتظارانتشان را برآورده کنیم.



جامعه‌ای که حالش خوش نیست، خبرنگار و همهٔ اهل قلم را نیز ناخوش می‌کند. باور می‌کنی حال عجیبمان را؟ گاهی از این‌که در آرامش هستیم، لایه‌مان تنگ و کوچک خواهد بود. اما اگر شیر شوم، این خانهٔ کوچک، ناگزیر عمارتی فراخ تر خواهد شد. باید باهم ببریم.

و روز خبرنگار، روز همهٔ آنان است که می‌توانستند باشند و نیستند. و هستند و دورند.

حال من، حال خبرنگاری است که روزش به جعه‌ای دلگیر افتاده است—سگوار همکاری که در مزار شریف خونش بر زمین ریخت، و اندوهگین همکارانی که زدرهه می‌میراید و می‌روند. در چنین روزی، همه از ارزش کار تو می‌گویند، اما فردا، همان درهای بسته، همان شکایت‌ها، همان نگاه‌های سنگین، ولی چه پاک! ملای نیست.

شما هم این روز را چندان جدی نگیرید—همان‌ها که باید، جدی‌اش نگرفته‌اند. روزی است که همه از ما ستایش می‌کنند، و فردا، درها را به رویمان می‌بندند. حالا هم که شرایط پس از جنگ است،

با حرف‌های ناگفته‌ای که از هر سو فریاد می‌زنند. دم شما گرم که هنوز ما را می‌خوانید. مخالفت

تعدیل نمی‌شود. در شرایطی که تورم بالای ۳۰ درصد و افت

۶۰درصدی ارزش ریال طی دو سال اخیر گزارش شده است، قدرت خرید بازنشستگان بیش از ۵۰ درصد کاهش یافته است. هزینه مسکن و درمان در کلان‌شهرها سرسام‌وار است و بیمه‌های بازنشستگی به‌سختی جوبگوی هزینه‌های پزشکی سالمندان است. به همین دلیل، برخی تصمیم گرفته‌اند اموال خود را بفروشند و به کشورهایی بروند که هزینه زندگی پایین‌تر و خدمات درمانی بهتری دارند. بازنشستگان معمولاً به خدمات درمانی و مراقبتی نیاز دارند. کمبود پزشکان و پرستاران در ایران -که نتیجه مهاجرت گسترده آنان است- کیفیت خدمات درمانی را کاهش داده است.
آمارها می‌گویند؛ کشور با کمبود بیش از ۲۰ هزار ماما و کمبود هزاران پرستار روبه‌روست، و حدود ۱۰ هزار نفر از نیروی انسانی حوزه بهداشت هر سال مهاجرت می‌کنند.

بسیاری از بازنشستگان نگران‌اند که با تداوم این روند، خدمات درمانی مناسبی دریافت نکنند و به همین دلیل، کشورهای دارای سیستم درمانی بهتر را به‌عنوان مقصد مهاجرت انتخاب می‌کنند. بسیاری از بازنشستگان ایرانی به دلیل نزدیکی جغرافیایی، زبان مشترک یا قوانین آسان اقامت، کشورهایی مانند ترکیه، ارمنستان و گرجستان را برای مهاجرت انتخاب می‌کنند. ترکیه در سال‌های اخیر قوانین نسبتاً ساده‌ای برای اقامت مبنتی بر خرید ملک یا ویزای توریستی طولانی‌مدت ارائه کرده است. هزینه‌های زندگی در شهرهایی مثل آناتلیا یا آلاطیا نسبت به تهران کمتر است و دسترسی به خدمات پزشکی خصوصی آسان‌تر است.

کشورهای مالزی و تایلند نیز به دلیل آب‌وهوای مناسب، هزینه پایین زندگی و وجود جوامع فارسی‌زبان کوچک، برای بازنشستگان جذاب‌اند. ویزای بازنشستگی در مالزی امکان اقامت بلندمدت با شرط سپرده‌گذاری را فراهم می‌کند. همچنین کشورهای عربی مانند عمان و امارات نیز با ارائه ویزای بازنشستگی یا سرمایه‌گذاری به جذب ایرانیان اقدام کرده‌اند.

افرادی که سرمایه و توانایی مهاجرت دارند، کشور را ترک می‌کنند، در حالی که افراد فقیرتر و بی‌پناه باقی می‌مانند، این وضعیت می‌تواند اختلاف طبقاتی را افزایش دهد. مهاجرت بازنشستگان به مناطق شمالی یا روستایی باعث تغییر ترکیب جمعیتی این مناطق و افزایش فشار بر زیرساخت‌های محلی می‌شود.

علاوه بر این مهاجرت افراد مسن معمولاً با انتقال سرمایه شخصی همراه است؛ فروش خانه، زمین و دارایی‌ها و خروج ارز از کشور. این موضوع می‌تواند بازار ارز را متاثر کند و سرمایه‌گذاری داخلی را کاهش دهد. گزارش‌ها نیز نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر موج خروج سرمایه همزمان با خروج نیروهای انسانی بازنشستگی یافته است. نسل‌های مسن‌تر حامل خاطرات تجربه‌ها و هویت تاریخی‌اند. خروج آنها می‌تواند در درآمدت سرمایه اجتماعی کشور را تضعیف کند. علاوه بر این، شکاف بین نسل‌های داخل و خارج از کشور افزایش می‌یابد؛ نسل‌های جوانی که باقی می‌مانند ممکن است کمتر با روایت‌های تاریخی و تجربیات بزرگ‌ترها آشنا شوند.

در این گزارش با مشورت و راهنمایی بهرام صلواتی، رئیس سابق رصدخانه مهاجرت ایران به این پرسش پاسخ می‌دهیم که آیا ترس از تنش‌های نظامی موج جدید مهاجرت را شکل می‌دهد؟ او می‌گوید: در مورد موج جدید مهاجرت در ایران، به‌ویژه در شرایط پس‌اجنگ و بحران، چندین عامل در شکل‌گیری و تفاوت این موج با مهاجرت‌های گذشته نقش دارند. این مهاجرت، به‌ویژه از جنبه اجتماعی، به شکل گسترده‌تری در حال وقوع است و در طی سال‌های اخیر، این روند با عمق بیشتری همراه شده است که لایه‌های بیشتری از طبقات اجتماعی را دربر می‌گیرد. باید گفت

خبر
کاهش نسبی دمای هوا در نوار شمالی کشور
رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا وضعیت جوی استان‌های مختلف کشور طی پنج روز آینده را تشریح کرد. صادق ضیاییان در گفت‌وگو با ایستا، اعلام کرد: امروز (۱۷ مردادماه) در برخی نقاط هرمزگان، فارس، جنوب سیستان و بلوچستان و نیمه جنوبی کرمان، رگبار و رعدوبرق باد و گردوخاک و در ارتفاعات البرز مرکزی، زاگرس مرکزی و ارتفاعات استان‌های آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی و اردبیل در ساعات بعدازظهر و اوایل شب افزایش ابر، بارش پراکنده گاهی رعد و برق و گردوخاک پیش‌بینی می‌شود. وی ادامه داد: شنبه (۱۸ مردادماه) در ارتفاعات واقع در شمال غرب، غرب، زاگرس مرکزی و جنوبی، ارتفاعات شمالی و مناطق غربی هرمزگان و جنوب کرمان رگبار پراکنده انتظار می‌رود و یکشنبه (۱۹ مردادماه) در مناطقی از شمال غرب، استانهای ساحلی دریای خزر، غرب هرمزگان و ارتفاعات البرز مرکزی افزایش ابر، بارش باران گاهی رعد و برق و وزش باد پیش‌بینی می‌شود. رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا با اشاره به وضعیت جوی روزهای دوشنبه و سه‌شنبه نیز افزود: دوشنبه (۲۰ مردادماه) این شرایط علاوه بر مناطق ذکر شده در برخی مناطق خراسان شمالی و شمال خراسان رضوی رخ می‌دهد و سه‌شنبه (۲۱ مردادماه) در ارتفاعات البرز مرکزی و شمال غرب کشور بارش پراکنده پیش‌بینی می‌شود. بنابر اظهارات ضیائیان، طی پنج روز آینده در نیمه شرقی کشور، بویژه منطقه زایل و بخش‌هایی از جنوب، جنوب غرب، مرکز و استان‌های واقع در دامنه‌های جنوبی البرز مرکزی در بعضی ساعت‌ها وزش باد شدید و گردوخاک پیش‌بینی می‌شود. همچنین از یکشنبه تا سه‌شنبه در بیشتر مناطق واقع در نوار شمالی کشور کاهش نسبی دما انتظار می‌رود و طی پنج روز آینده شرق دریای عمان، یکشنبه و دوشنبه دریای خزر مواج است. رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا درباره وضعیت جوی تهران نیز اظهار کرد: آسمان تهران شنبه (۱۸ مردادماه) کمی ابری تا نیمه ابری در بعد از ظهر افزایش ابر و افزایش باد با احتمال گرد و خاک با حداقل دمای ۲۷ و حداکثر دمای ۲۸ درجه سانتیگراد پیش‌بینی می‌شود و برای روز یکشنبه (۱۹ مردادماه) آسمان تهران، بلکه این جزئیات اخیر، شاهد پدیده مهاجرت‌های خانوادگی به شکل گسترده‌تری خواهیم بود. در واقع، این نوع مهاجرت اجتماعی که امروز موضوع بحث ماست، تفاوت اصلی‌اش با دوره جنگ در این است که به مهاجرت‌های خانوادگی تبدیل شده است. ویژگی دوم مهاجرت‌های خانوادگی برگشت‌ناپذیری آن است. زمانی که افراد با خانواده‌های خود مهاجرت می‌کنند یا به منطقه‌ای جدید نقل‌مکان می‌کنند، احتمال بازگشت به نقطه آغازین یا به کشور کمتر خواهد بود.
در گذشته، دلایل عمده مهاجرت اقتصادی بود، مانند اینکه جوانان آینده‌ای برای خود در داخل کشور نمی‌دیدند یا فضای اجتماعی و فرهنگی بسته‌ای حاکم بود. اما امروز، با تشدید تنش‌های جنگی، فضا به‌شدت متفاوت شده است. اکنون دیگر تنها دلایل اقتصادی و اجتماعی مطرح نیستند؛ بلکه این جنگ‌ها و بحران‌ها به طرزچشم‌گیری سبب تشدید مهاجرت‌ها شده است. افراد مسن‌تر که به‌طور معمول در سن مهاجرت نیستند و این اکنون از کشور می‌روند. این تغییرات به روشنی نشان می‌دهد که تنش‌های جنگی نته‌ها مهاجرت‌های اجتماعی را تشدید کرده، بلکه باعث شده این مهاجرت‌ها در قالب خانوادگی و در ابعادی وسیع‌تر انجام شود. امنیت روانی و آراش ذهنی افراد به مهم‌ترین عامل تبدیل شده‌اند. در دوران جنگ، کمبودها و کمبودهای جدیدی برای بازگرداندن امنیت روانی به جامعه و مایحتاج اولیه زندگی که حالا به موضوعاتی مانند آب و برق نیز رسیده است. این بحث تحت تأثیر قرار گرفته است.
باید بیشتر به امنیت روانی توجه می کردیم به باور صلواتی؛ در این راستا، ما باید بیشتر از قبل به امنیت روانی جامعه توجه می‌کردیم. در دوران جنگ ۱۲روزه، این مشکلات بیشتر از پیش خود را نشان داد و بی‌پناهی روانی جامعه به شکلی واضع‌تر مطرح شد. در چنین شرایطی، بحران‌ها، ندهاها و دستگاه‌ها باید به‌طور خاص وارد عمل می‌شدند و با تدابیر ویژه به این بحران روانی رسیدگی می‌کردند. متأسفانه، در این زمینه، شاهد کم‌کاری و عدم واکنش مناسب بوده‌ایم. مثلاًدر موضوع رسانه‌ها و به‌ویژه صدا و سیما، این موضوع باید بیشتر از پیش جلوه می‌یافت و تبیین می‌شد، اما متأسفانه این کار انجام نشد و همین موضوع موجب شد که شرایط بحرانی بدتر از آنچه باید، نمایان شود. این مسائل نته‌ها تأثیرات اجتماعی و اقتصادی را خود را کارگران نیز رانهی امنطمینی‌های بیشتری در جامعه شده است. فضاهای اجتماعی و روانی که دچار ناامنی هستند، موجب‌شد این نگرانی‌ها و تشدید مهاجرت‌ها می‌شوند. به گزارش تجارت فردا؛ موج جدید مهاجرت از ایران تنها نتیجه اختلالات سیاسی است؛ ریشه در ساختارهای اقتصادی کلنگند، بحران‌های اجتماعی، ترس از جنگ و فقدان چشم‌انداز روشن دارد. شواهد نشان می‌دهد که مهاجران امروز دیگر فقط نخبگان یا جوانان نیستند؛ بازنشستگان، میان‌سالان، پزشکان، پرستاران و کارگران نیز رانهی امنطمینی‌های بیشتری در حتی بهترین متخصصان سالمندی کشور را ترک کرده‌اند و مهاجرت جامعه پزشکی نسبت به قبل از همه‌گیری کرونا دو برابر شده است. از سوی دیگر، در جنگ ۱۲روزه پایتخت به تاریکی فرو رفت و ساکنان و ترس و اضطراب بازتاب‌بخش نریم کردند؛ تجربه‌ای که به باور بسیاری، آخرین هشدار برای بسیاری از خانواده‌ها بود تا برای حفظ جان خود چاره‌ای بیابند.